

”

قبل از راه اندازی بیمارستان ما، بیشترین پیوند کبد در بیمارستان پیتسبرگ آمریکا بود. ۵۶۱ عمل را در یک سال انجام می دادند. دو بیمارستان را به هم وصل کردند. با ده ها تخت آی سی یو. ما در سال ۲۰۱۷ قریب به ۶۳۸ پیوند کبد را انجام دادیم، این رکورد قابل دست یافتنی نیست

پیوند کبد بود که آن را هم در سال ۹۶ راه انداختیم. پیش خودم میگفتم اصل برای هر بیمارستانی نیروی متخصص هست. چرا وقتی این قدر استعداد متخصص داریم، درگیرسیمان و آجر باشیم؟ قبل از راه اندازی بیمارستان ما، بیشترین پیوند کبد در بیمارستان پیتسبرگ آمریکا بود. ۵۶۱ عمل را در یک سال انجام می دادند. دو بیمارستان را به هم وصل کردند. با ده ها تخت آی سی یو. ما در سال ۲۰۱۷ قریب به ۶۳۸ پیوند کبد را انجام دادیم، این رکورد قابل دست یافتنی نیست. کبدهایی که ما پیوند می زنیم یا از مرگ مغزی است یا از قوم و خویش درجه یک. ابد آخرید و فروش نداریم. هزینه پیوند کبد در آمریکا حدود ۴۰۰ هزار دلار هست؛ ولی در ایران کمتر از دو هزار دلار. بعد از ما، در هشت شهر دیگر مراکز پیوند کبد راه افتاد که اکثرشان از دانشجویانی بودند که در شیراز آموزش پیوند دیده بودند. چند سالی هم هست که سالی دوسه نفر دانشجوی خارجی هم از کشورهای دیگر می گیریم. همین دانشجویهای خارجی هم به کشورشان برمی گردند و مراکز پیوند راه می اندازند. حتی چند باری هم از ما دعوت کردند که به کشورشان برویم و در مراکز افتتاحیه مراکز درمانی شان شرکت کنیم. به هر جایی رسیدیم، لطف خدا بوده. بعد کار، تلاش، عشق. در این سی سال خیلی کم مرخصی رفتم و نزدیک دوسال مرخصی طلب دارم. من هیچ وقت با درآمد پیوند زندگی نکردم. کل پولی که از عمل پیوند به من می دهند، حدود یک میلیون تومان است. دون شان پزشک است بگویند پول بدهید تا عمل کنم.

دست هایمان را برای اولین عمل پیوند کبد شستیم. عمل را در بیمارستان نمازی انجام دادیم. پیوند موفقیت آمیز بود ولی به خاطر حال نزارش، دوهفته بعد از پیوند، فوت کرد. دست و دلمان نلرزید. بلافاصله یک ماه بعد، پیوند دوم را انجام دادیم. نامش راهنوز به یاد دارم، معلمی بود بنام علی زارعی که الان نزدیک به سی سال است که زنده است. چند سالی که از شروع پیوند کبد در ایران گذشت، دغدغه دیگری توی ذهنم ایجاد شد. ظرفیت بیمارستان نمازی طوری نبود که بتواند همه درخواستها را پاسخگو باشد. سال هشتاد بود که تصمیم گرفتم با کمک خیرین و مردم، یک بیمارستان تخصصی برای پیوند راه بیندازم. چند فاز برایش مشخص کردم. اولینش یک مرکز دیالیز بود. زمینش را از استانداری گرفتیم. چندین هکتار زمین در صدرا را برای بیمارستان ما اختصاص دادند. حاج رضا ابراهیمی هم پای کار آمد و تمام هزینه ساخت مرکز و تجهیزش را برعهده گرفت. هشتاد تخت دیالیز که در هر روز سه یا چهار نوبت کار می کرد و می توانست سیصد نفر را پوشش دهد.

این یعنی بزرگترین و مجهزترین مرکز دیالیز کشور. برای بیماران نیازمند، سرویس رفت و برگشت قرار دادیم. هر روز صبح سه تا مینی بوس می رفت دم در خانه و سوارشان می کرد و بعد از دیالیز برشان می گرداند. هزینه دیالیز هم با کمک بیمه و خیرین تقریباً رایگان درمی آمد. حتی هزینه غذا را هم خیرین تقبل کرده بودند. فاز دوم هم یک بیمارستان آموزشی - تخصصی

